



شروع یک روایت تازه در منطقه آزاد انزلی

« آغاز سفری تازه از دل دریا تا دل مردم به نام دریا، به نام شمال، به نام رویاهایی که از دل کار، تلاش و زندگی شکل می‌گیرند.

این شماره، اولین گام ماست در مسیری که با شوق و باور شروع کرده‌ایم؛ مسیر ساختن رسانه‌ای برای همه‌ی کسانی که به منطقه آزاد انزلی سر می‌زنند، در آن زندگی می‌کنند یا دلشان با اینجا گره خورده است. بندر رویا فقط یک ماهنامه نیست. قرار است پلی باشد میان همه‌ی آدم‌هایی که این منطقه را زنده نگه می‌دارند:

سرمایه‌گذاران و کارآفرین‌هایی که به آینده فکر می‌کنند، گردشگرانی که برای آرامش، خرید یا لذت از هوای دریا به اینجا می‌آیند و مردمی که با لبخند و تلاششان، قلب تپنده‌ی منطقه آزاد انزلی‌اند.

هدف ما ساده است؛ می‌خواهیم تصویر واقعی این منطقه را نشان دهیم، جایی که اقتصاد، فرهنگ، گردشگری و طبیعت در کنار هم معنا پیدا می‌کنند.

از پروژه‌های بزرگ بندری و صنعتی خواهیم نوشت، از کسب‌وکارهای محلی، از چهره‌هایی که با ایده‌هایشان تغییر می‌سازند، و از فرصت‌هایی که هر روز در این منطقه شکل می‌گیرد. بندر رویا آمده تا روایتگر انزلی امروز باشد؛ انزلی‌ای که از دل تاریخ و دریا برخاسته و حالا با نگاهی تازه به آینده، در مسیر توسعه و ارتباط جهانی گام برمی‌دارد. ما می‌خواهیم صدای تلاش، خلاقیت و زندگی را به گوش همه برسانیم از سواحل و بازارها گرفته تا کارخانه‌ها و اسکله‌ها.

در هر شماره، کنار شما خواهیم بود؛ با گزارش‌ها، گفت‌وگوها، معرفی‌ها و روایت‌هایی از مردمی که انزلی را می‌سازند و دوستش دارند.

به «بندر رویا» خوش آمدید ما از اینجا، از دل دریا، شروع کرده‌ایم تا با شما قصه‌ی رشد و امید را بنویسیم. اینجا، جایی است که گیلان با آینده دست می‌دهد.

ماهنامه منطقه آزاد انزلی بندر رویا

ونوس حالا اینجا است

آدرس: منطقه آزاد انزلی بعد از آرش مال، نرسیده به درب خروج، مرکز نمایشگاه و همایش های بین المللی منطقه آزاد انزلی

ماهنامه منطقه آزاد انزلی - بندر رویا / شماره اول / آبان ۱۴۰۴

جایی که دریا نفس تجارت را تازه می‌کند؛ داستان صعود منطقه آزاد انزلی



روایت یک روز بی‌نقشه، پراز اتفاق و حال خوب

یه روز آزاد تو منطقه آزاد

وقتی می‌ای، قشنگ ترین پیرهن تو تنه کن!



رستوران یوسفی



Yousefi Restaurant

مجموعه غذایی یوسفی متشکل از:

رستوران کلاسیک

سالن همایش و مجالس

کافه بام و سفره خانه سنتی

فضایی کاملاً خانوادگی و شاد به همراه موزیک زنده

با ارائه این برگه از ۱۰٪ تخفیف منو غذای رستوران یوسفی لذت ببرید

☎ 0911 334 6441

☎ 013 3443 5253

📍 yousefirestaurant

🌐 www.yousefirestaurant.ir

📍 کیلومتر ۲۰ اتوبان رشت به انزلی، چاپارخانه



مکان مرجع للعوائل مع موسیقی حیه

أجواء الشمال، أطباق شهية، و ترحيب على طريقة اليوسفی

العنوان: كيلو متر ۲۰ طريق رشت - انزلی، منطقة جابر خانه

جایی که دریا نفس تجارت را تازه می کند؛ داستان صعود منطقه آزاد انزلی

انجام سریع کارهای اداری بدون دردسرهای معمول، و امکان ترانزیت یا صادرات مجدد کالا بدون محدودیت.

به خاطر همین شرایط، انزلی تبدیل شده به یه جای ایده آل برای راه اندازی کسب و کارهای تولیدی، دانش بنیان، صنایع غذایی و شیلاتی.

نزدیکی اش به زمین های کشاورزی گیلان و شهرهای پرجمعیت اطرافش، کمک کرده تا اینجا به مرکز شکل گیری خوشه های صنعتی و صادرات محور تبدیل بشه.

در ده سال اخیر، منطقه آزاد انزلی فقط رشد اقتصادی نداشته؛ یه چهره ی تازه ی گردشگری هم پیدا کرده.

سازمان منطقه با ساخت زیرساخت های مدرن، اجرای برنامه های فرهنگی، هنری و تفریحی، کاری کرده که اینجا به یکی از مقصدهای محبوب مسافران داخلی و خارجی تبدیل بشه.

از توریست های کشورهای حاشیه خلیج فارس گرفته تا طرفداران طبیعت، گردشگری ورزشی، حلال و حتی درمانی همه می تونن از امکانات این منطقه لذت ببرن.

در واقع، منطقه آزاد انزلی فقط یه منطقه صنعتی نیست؛ یه نقطه ی تلاقی بین تجارت، فرهنگ و زندگیه.

اینجا جاییه که گیلان قدیمی با سابقه ی ۴۰۰ سال تجارت بین المللی، با روحیه ی مدرن قرن ۲۱ پیوند خورده.

در یک جمله ساده تر:

منطقه آزاد انزلی جاییه که دریا، اقتصاد و امید دست در دست هم دارن.



می تونن رفت و آمد کنن.

با این شرایط، انزلی به یه نقطه ی کلیدی در مسیر بین المللی شمال-جنوب و طرح بزرگ "یک کمربند، یک جاده" تبدیل شده.

اما مزیت های انزلی فقط به جغرافیا محدود نمیشه. قانون مناطق آزاد کلی امتیاز ویژه برای فعالان اقتصادی در نظر گرفته:

معافیت مالیاتی ۲۰ ساله برای همه ی کسب و کارهای مجاز،

واردات بدون پرداخت عوارض گمرکی،

سرمایه گذاری صدها درصد خارجی بدون محدودیت، ورود آسان متخصص های خارجی بدون ویزای قبلی،

به ۴۵ تا برسه.

این یعنی انزلی قراره یکی از اصلی ترین مراکز ترانزیت کالا بین آسیا و اروپا بشه.

یه اتفاق خیلی مهم هم اینه که بندر کاسپین به راه آهن سراسری ایران وصل شده.

یعنی از اینجا، مسیر دریا به ریل و از ریل به خلیج فارس وصل میشه.

به زبان ساده تر: یه کریدور طلایی بین شمال و جنوب ایران و حتی بین کشورهای اوراسیا و خلیج فارس شکل گرفته.

در کنار این ها، فرودگاه بین المللی سردار جنگل رشت هم حالا داخل محدوده منطقه آزاد قرار گرفته؛ یعنی بار هوایی و گردشگر خارجی هم راحت تر از همیشه

اگر دنبال جایی می گردید که هم بوی دریا بده، هم صدای رشد و پیشرفت ازش بلند بشه، باید سری به منطقه آزاد تجاری-صنعتی انزلی بزنید.

اینجا از سال ۱۳۸۴ کارش رو شروع کرده؛ جایی در دل گیلان، کنار دریای خزر، و حالا به عنوان اولین منطقه آزاد شمال کشور، شده قلب تپنده ی اقتصاد و تجارت شمال ایران.

داستان شکل گیریش هم جالبه: بعد از فروپاشی شوروی، ایران تصمیم گرفت از فرصت ارتباط با کشورهای حاشیه خزر و اوراسیا استفاده کنه. هدف چی بود؟

ایجاد پلی برای گسترش تجارت و دوستی با همسایه ها، اونم با تکیه بر فرهنگ و تاریخی که باهاشون مشترک داریم.

حالا بعد از دو دهه تلاش، منطقه آزاد انزلی به یه مجموعه ی کامل و حرفه ای تبدیل شده که می خواد حلقه ی وصل شرق و غرب آسیا، اوراسیا، جنوب آسیا و اروپا باشه.

با مصوبه جدید مجلس و مجمع تشخیص مصلحت نظام، محدوده این منطقه از آبان ۱۴۰۳ حسابی بزرگ تر شده حالا حدود ۸۶۰۹ هکتار وسعت داره. یعنی شامل محدوده اصلی منطقه (۶۳۶۴ هکتار)، بندر گیلان (۱۳۰ هکتار)، شهرک صنعتی سفیدرود (۱۵۱۵ هکتار)، دو شهرک صنعتی دیگه به نام های ضیابر و خمیران (۲۲۰ هکتار) و فرودگاه بین المللی سردار جنگل رشت (۳۸۰ هکتار).

اینجا دو تا بندر مهم داره: انزلی و کاسپین. در حال حاضر با ۲۳ اسکله فعال کار می کنن (۶ تا در محدوده آزاد و ۱۷ تا در بندر انزلی).

ولی هدف اینه که در آینده نزدیک، تعداد اسکله ها



ARSHIA
MIT LIEBE GEMACHT
Flügel company

Flügel
GERMAN BRAND

نماینده انحصاری برندهای آلمانی عرشیا و فلوگل در منطقه آزاد انزلی و استان گیلان

۰۹۳۹۳۷۰۰۴۸۸

arshia.afz.co



جلوه ای از اصالت و نوآوری در لوازم خانگی با فناوری روز اروپا و طراحی چشم نواز آلمانی



چندین دهه
اعتماد و همراهی

30+
Countries

فعالیت در ۳۰+ کشور جهان

در منطقه آزاد انزلی، حتی ویتترین ها هم لبخند می زنند!



نه کارخانه‌ای. بخیریش، خوشبخت می‌شی» و نمی‌دونی از جذابیت جنس بخری یا از مهربونی خودش.

اینجا سبک زندگی به‌جور تلفیق عجیبی؛ زندگی مدرن شهری در کنار روح شمالی ساده و گرم. ممکنه هم‌زمان صدای موزیک خارجی از فروشگاه پوشاک بیاد و به جای دیگه صدای یه نفر که میگه «آقا دو تا شکلات بدین!» و همین تضاد، منطقه آزاد رو خاص کرده؛ جایی که برندهای خارجی با لهجه‌ی گیلکی فروخته می‌شن!

پنج قانون نانوشته خرید در منطقه آزاد انزلی فقط نگاه می‌کنم» یعنی حداقل به خرید کوچیک در پیشه، اگر فروشنده گفت «آخرین مدله!» یعنی تازه از انبار دراومده، اینجا، وزن خریدت با لبخندت رابطه‌ی مستقیم داره، هر خرید، بهانه‌ایه برای یه عکس سلفی با شعار «خرید درمانی» و مهم‌تر از همه: هر چی بخری، باز فردا می‌گی «ای کاش اون یکی رو هم گرفته بودم!»

و اما فلسفه‌ی خرید در منطقه آزاد انزلی در نهایت، خرید در منطقه آزاد فقط پر کردن سبد نیست؛ به‌جور سبک زندگی، به تجربه‌ی کامل. می‌خوری، می‌خندی، و حس می‌کنی بخشی از ریتم روزمره‌ی شمال شدی. وقتی از در خروجی بیرون می‌ای و نسیم دریا بهت می‌خوره، با لبخند به ویتترین‌ها نگاه می‌کنی و می‌گی: تا شماره بعدی نشریه، قول می‌دم دیگه چیزی نخرم! (که البته هیچ‌وقت انجامش نمی‌دی)

«**داود صادقی** - در منطقه آزاد انزلی، خرید فقط خرید نیست؛ به‌جور گردش در دنیایی از رنگ، نور و وسوسه‌ست. اینجا مرکز خرید، حکم میدان جنگ رو داره نبرد بین «عقل اقتصادی» و «دست و دلت که نمی‌خواد خالی برگردی!»

همه‌چی از لحظه‌ای شروع می‌شه که قدمت رو می‌ذاری داخل مرکز خرید، سقف بلند، نور سفید، و بوی قهوه که از کافه‌ی طبقه دوم می‌پیچه، همون لحظه بهت می‌فهمونه که دیگه راه برگشت نداری. به تابلوی بزرگ تو دلت نوشته: خرید، یعنی لبخند، یعنی آرامش و تو با خودت فکر می‌کنی: «ولی آخر ماه، این لبخند تبدیل می‌شه به گریه‌ی حساب بانکی.»

در مرکز خرید، از عطر فرانسوی گرفته تا لباس و شکلات و کلی خنزر پنزر پیدا می‌کنی، با جذابیت ویتترین‌ها تو ناخودآگاه وارد مغازه می‌شی، فقط برای نگاه کردن...

ده دقیقه بعد اما با یه کیسه از مغازه میایی بیرون، با جمله‌ای معروف تو ذهنت: «فقط یه دونه خریدم» درواقع داری فقط خودتو آروم میکنی وگرنه موجودی حسابت که پشت سرهم پیامکش میاد چیز دیگه ای میگه!

زندگی آزادتر از قیمت‌ها

اینجا حس خاصی وجود داره؛ انگار همه‌ی مردم به‌جور سبکی تو رفتارشون دارن هم خونسرد، هم شاد. خانواده‌ها تو راهروها قدم می‌زنن، بچه‌ها بستنی دستشونه، و صدای خنده از هر گوشه میاد. به خانم محلی کنار پله‌برقی داره صنایع دستی می‌فروشه، با لهجه‌ی شیرین گیلکی می‌گه: «این دست‌سازه‌ست،

مجتمع سیتی سنتر منطقه آزاد انزلی به زودی ...



منطقه آزاد انزلی



مجتمع تجاری اداری سیتی سنتر انزلی
شرکت بازده کار م.آ. ۱
BAZDEH KAR

شرکت محور طلایی کاسپین



اسکله‌ها

شرکت محور طلایی کاسپین دارای چهار پست اسکله با ظرفیت تخلیه و بارگیری سالانه ۱/۹ میلیون تن انواع کالا و کانتینر می‌باشد. اسکله‌های شرکت محور طلایی کاسپین به دلیل دارا بودن حوضچه آرامش با عمق ۶ متر قادر به پهلو دهی به انواع شناورها و کشتی‌های با ظرفیت بالغ بر ۱۰ هزار تن می‌باشند.



تجهیزات و لجستیک

در راستای ارائه خدمات مناسب در حوزه لجستیک بندری، شرکت محور طلایی کاسپین طیف وسیعی از تجهیزات همچون جرثقیل ساحلی، مکنده غلات، لیفتراک، ریچ استاکر، کشنده و ماشین آلات بسته‌بندی به کار گرفته می‌شود.



مخازن

با احداث ۱۶ مخزن سقف ثابت و دو مخزن سقف شناور مجموعاً به ظرفیت ۹۵ هزار متر مکعب در پس کرانه اسکله ۱۴ به عنوان هاب فله مایع در مجتمع بندری کاسپین، امکان نگهداری انواع فله مایع سوختی و غیرسوختی فراهم گردیده است.



انبارها

شرکت محور طلایی کاسپین در فاز اول با احداث و بهره‌برداری انبارهای مسقف مساحت ۲۷۰۰۰ مترمربع امکان ذخیره ۶۰ هزار تن انواع غلات، کالای فله، و متفرقه را فراهم نموده است که با احداث ۲۰ هزار متر مربع انبار سرپوشیده در فاز دوم، این ظرفیت به ۱۱۰ هزار تن ارتقا خواهد یافت.



سیلوی غلات

این شرکت در فاز اول با احداث ۴۵ هزار متر مکعب سیلوی ذخیره غلات، بالغ بر ۳۷ هزار تن ظرفیت ذخیره انواع غلات را ایجاد نموده است و در فاز دوم این ظرفیت به ۷۰ هزار تن افزایش پیدا خواهد کرد.



شرکت محور طلایی کاسپین
منطقه آزاد انزلی

استان گیلان، منطقه آزاد انزلی
مجتمع بندری کاسپین

☎ ۰۱۳ ۹۱۰ ۳۱ ۱۱۱

📠 ۴۳۱۳۱۴۳۳۱۱

🌐 www.caspiangoldenline.com

✉ goldenlinecaspianship@gmail.com

تسهیلات کاربردی بانک ایران زمین

تا سقف یک میلیارد تومان

متناسب با نیاز شما



ዐሣህ፡፡፡

مرکز تماس بانک ایران زمین



www.lzbank.ir



نیم نگاه

از ایده‌های کوچک تا
تولد یک روایت تازه



«هر شروعی سختی خودش را دارد. راهی که ما برای تولد بندر رويا آغاز کردیم هم از همان مسیر پرچالش اما پرامید گذشت. از اولین گفت‌وگوها و ایده‌ها گرفته تا لحظه‌ای که اولین نسخه روی میز آمد. پر از تجربه، آزمون، اصلاح و دوباره تلاش بود. ما با رؤیای ساده‌ای شروع کردیم: اینکه بتوانیم تصویری واقعی و زنده‌ای از منطقه آزاد انزلی نشان دهیم، نه فقط بندرها و ساختمان‌ها، بلکه آدم‌ها، نفس‌ها و اتفاق‌هایی که این منطقه را پر از زندگی کرده‌اند.

در مسیر ساختن این ماهنامه، مهربانی‌ها و همکاری‌های زیادی همراهمان بود. دوستانی در سازمان منطقه آزاد انزلی که با صبوری و انرژی‌شان کنارمان ایستادند و باور داشتند باید روایت تازه‌ای از این منطقه ساخته شود.

روایتی روشن، صادق و انسانی. آنها فقط همراه نبودند، بلکه هم‌دل و شریک در رؤیای بودند.

از فعالان و مدیرانی که وقت گذاشتند، از چهره‌هایی که تجربه‌شان را در اختیارمان گذاشتند، از کسانی که فقط با یک لبخند یا یک تشویق کوتاه، به ما انگیزه‌ی ادامه دادند، صمیمانه سپاسگزاریم.

ما افتخار می‌کنیم که بندر رويا به شکل خودگردان و مستقل مسیرش را آغاز کرده؛ به لطف همان آدم‌هایی که عاشق شهرشان هستند و باور دارند رسانه می‌تواند پلی باشد میان مردم، مسئولان و آینده.

می‌دانیم هنوز اول راهیم. حتماً کمبودهایی هست، کسانی هستند که در این شماره فرصت حضورشان فراهم نشد. اما با دل و جان قول می‌دهیم که در شماره‌های آینده، قدم‌به‌قدم با همه‌ی شما هم‌مسیر شویم.

ما باور داریم هر شماره‌ی بندر رويا نه فقط یک مجله، بلکه تکه‌ای از زندگی در حال جریان در انزلی است.

از صدای امواج تا گفت‌وگوهای ساده‌ی مردم، از ایده‌های کارآفرینان تا شادی گردشگران.

اگر امروز بندر رويا به دنیا آمده، به خاطر محبت، همکاری و ایمان کسانی است که دلشان برای پیشرفت این شهر می‌تپد. به همه‌ی آن‌ها، از صمیم قلب می‌گوییم:

هیات مدیره و مدیرعامل محترم سازمان منطقه آزاد انزلی، آقای امینی، برادران بحری، مهندس برزگر، آقای رنجبر، جناب علیزاده، آقای عادل داکتر کاظمیان و همکارانش در روابط عمومی سازمان منطقه آزاد انزلی، آقای کامجو، آقای مهربان، آقای یوسفی، آقای نبی نیا، مهندس هاشمی، هیات مدیره جامعه اصناف و بازاریان، و همه عاشقان انزلی؛ ممنون که کمک کردید رؤیای، به واقعیت تبدیل شود.

روایت یک روز بی‌نقشه، پر از اتفاق و حال خوب؛

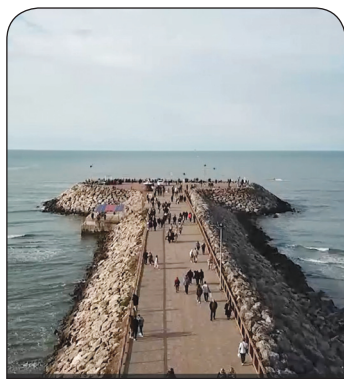
یه روز آزاد تو منطقه آزاد



بازارچه محلی و مذاکره با ترشی فروش عاشق

غروب که شد، رفتن سمت بازارچه‌ی محلی. اونجا همه‌چی زنده بود: بوی زیتون پرورده، ترشی هفت‌بیبجار، موسیقی گیلکی، صدای خنده‌ی فروشنده‌ها. یه خانم محلی با چادر گل‌دار گفت: «یه قاشق ترشی بپش، عاشق می‌شی» منم گفتم: «خانم عاشقی هزینه داره که من ندارم، ولی ضرر نداره ترشی رو خوردم... آتش بود! اشکم دراومد ولی لبخند زدم. اون خانم خندید و گفت: نگران نباش «گریه‌ی خوشمزگیه» چند تا سوغاتی گرفتم، زیتون و مربای تمشک، و رفتم سمت اسکله که غروب خورشید رو ببینم. **خدا حافظی با موج‌ها، سلام به آرامش**

شب از راه رسیده بود. ساحل خلوت، نسیم خنک، و صدای موج که مثل موسیقی ملایم تکرار می‌شد. یه چایی از کافه گرفتم (بعداً اسمشو میگم) بخار چای بالا می‌رفت و نور ماه



توی فنجون می‌درخشید.

همچنان آواز موسیقی محلی داشت از بلندگوهای ساحل پخش می‌شد: «انزلی، انزلی، چه باصفایه...» او من لبخند زدم، چون می‌دونستم هر کی به بار بیاد اینجا، به تیکه از دلش رو جا می‌ذاره.

نگاه آخرم به دریا بود. گفتم: «خدا حافظ نه برای همیشه؛ برای دیداری بی‌بانه، زود زود»

اینجا منطقه آزاد انزلیه؛ جایی که هم می‌تونی آدرنالین جت‌اسکی رو حس کنی، هم آرامش چای لب دریا رو. به روزش پر از خنده‌ست، پر از بوی نم و صدای موج، و وقتی برمی‌گردی، مطمئن باش فقط سوغات نمی‌بری، به حال خوب باهات میاد که تا مدت‌ها نمی‌ره.

فهمیدم کنترلش به اون سادگی که فکر می‌کردم نیست. جت‌اسکی با سرعت رفت جلو، منم جیغ زدم مثل کسی که تازه فهمیده سوسک زیر پاشه. ولی بعد از چند دقیقه، اون ترس شد هیجان خالص! باد تو صورتم می‌خورد، قطرات آب مثل اسپری خنک پخش می‌شدن و صدای موتور با تپش قلبم هماهنگ شده بود.

برگشتم ساحل، مواهام شلخته، لباسم خیس، ولی لبخندم تا بناگوش باز بود. یه خانم که پسر کوچولویش بغلش بود گفت: «خیلی حرفه‌ای بودی!» گفتم: «آره، مخصوصاً اون جایی که نزدیک بود بخورم به آب!»

ماهی سفید و وعده‌ای که با رژیم قطع رابطه کرد

نیم‌روز شد. آفتاب روی آب برق می‌زد و بوی کباب غذا از رستوران (واسه اینکه تبلیغ نشه اسمشو نمیگم) که لب ساحل بود بلند شد. رفتم تو. یه پشت میز نشستم، منو رو باز کردم، نوشته بود: ماهی سفید تازه، با برنج زعفرانی، یهو یکی از درونم فریاد کشید: و عشق شمالی! گفتم: «خب عشقو که لازم دارم، همینو بیار»

وقتی غذا اومد، ماهی سفید طلاگون وسط بشقاب دراز کشیده بود و لیموی تازه کنارش برق می‌زد. یه لقمه خوردم و با خودم گفتم: اگه قرار بود بهشت بو داشته باشه، بوی همین ماهی رو می‌داد.

مرکز خرید و تراژدی کارت بانکی

بعد از ناهار، رفتم سمت مرکز خرید (اینم اسمشو بعداً میگم). ساختمونش از دور می‌درخشید، مثل یه قصر برای عاشقان خرید. وارد که شدم، سرمای کولر خورد تو صورتم و بوی عطر و شکلات قاتی شد. همه‌چیز فریاد می‌زد: «بخیر منو!»

با خودم گفتم: «نه من فقط یه نگاه می‌نذارم!» ولی نگاه، نگاه نیست که... اولین قدم به داخل مغازه یعنی خدا حافظی با پولت.

در نهایت با سه تکیسه پر، از مرکز خرید زدم بیرون؛ یه تیشرت و یه شلوار و یه کفش، یه بسته شکلات و نسکافه و... (اوه اوه بدبخت شدم)

از بلند گو صدای خواننده محلی می‌اومد، مغازه‌ها پر از نور بودن، و من بین اون همه رنگ حس می‌کردم وسط فیلمی از زندگی لوکس شمالی‌ام... تا وقتی که یه پیامک اومد: «مانده حساب شما..... ریال».

«سمیه داوری»- امروز از اون روزاست که دلت می‌خواد یه کاری بکنی که شدیداً لازمه برای روح (تو روحت!). کوله رو بستم، سوار ماشین شدم به کجا؟ بی هدف! آهنگ گیلکی گذاشتم و راه افتادم. از همون اول توی جاده بوی نمک و دریا اومد که یهو رسیدم به تابلو «به منطقه آزاد انزلی خوش آمدید» اینجا که رسیدم دیدم حال و هوام عوض شده انگار درونم داشت خودش رو واسه یه مهمونی آماده می‌کرد.

یه‌جور نشاط خاصی تو هوا بود، از اون حالایی که انگار نسیم هم داره باهات شوخی می‌کنه. ماشین‌ها پشت سر هم می‌رفتن، مغازه‌های رنگارنگ، و مردم خندان با کیسه‌های خرید. با خودم گفتم: خب رفیق، اینجاست... جایی که قراره امروزت خیلی خاطره‌انگیز بشه...

پیاده شدم و همینطور که کفش‌هام خاکهای جاده رو می‌خوردم، بوی دریا قوی‌تر می‌شد. صدای موج از دور می‌اومد و دلم شروع کرد به دودیدن



جلوتر از قدم‌هام. اون لحظه دقیقاً حس همون کسی رو داشتم که وارد یه فیلم ماجراجویی شده؛ فقط فرقش این بود که قهرمانش من بودم، با یه بطری آب، یه گوشی نیمه‌شارژ و یه کارت بانکی خالی و امید به پیدا کردن راهی که بتونم این روح لامصب رو راضی کنم.

جت‌اسکی، فریاد و بوی آدرنالین

رفتم سمت اسکله‌ی تفریحات دریایی. باد می‌اومد و پرچم منطقه آزاد با صدای خاصی تگون می‌خورد. مربی جت‌اسکی یه پسر خندون بود که گفت: «اولش آروم برو، دریا شوخی نداره» منم گفتم: «قول می‌دم با کوسه‌ها کاری نداشته باشم!»

سوار شدم، موتور زدم... و در همون ده ثانیه اول



VIYONA

رستوران ویونا گردون

تنها رستوران گردان گیلان
با چشم انداز دریا



ویونا گردون حامی اسب کاسپین

بیستمین جشنواره زیبایی اسب کاسپین
پنجشنبه ۱۳ آذر / شروع ۱۰ صبح به میزبانی باشگاه سوارکاری تک تاز

آدرس: منطقه آزاد انزلی، سه راه حسن رود

تلفن: ۴۴۴۰۴۶۴۵-۰۱۳ موبایل: ۰۹۱۱۹۴۴۴۸۷۷

نگاه

جایی که چانه زدن هنر است و فروش، لبخند!



«اگر تا حالا به منطقه آزاد انزلی سر زدی، می‌دونی که خرید توی اینجا فقط یه کار اقتصادی نیست، یه تفریح! از پاساژهای پر نور گرفته تا مغازه‌های رنگارنگ محلی، همه‌جا پر از هیجان و انرژی خرید و فروشه. اما بی‌راه نیست اگه بگیم یه خرید خوب، هم به مهارت خریدار برمی‌گرده، هم به هوش فروشنده. پس اگه اهل بازارگردی و معامله‌ای، این چند تا نکته‌ی ساده ولی طلایی رو بخون

چطور خرید شیرینی داشته باشیم؟

با لبخند وارد شو، نه با چهره جدی! فروشنده‌ها با آدم‌های خوش‌برخورد راحت‌تر کنار میان. یه سلام گرم و لبخند واقعی، نصف راه تخفیف گرفته! قیمت پرسی، اما با احترام.

جمله‌ی «چقدر آخر می‌دی؟» رو بذار آخر مکالمه، نه اولش! اول از جنس تعریف کن، پرسی از کجا میارن، بعد آروم سر قیمت برو. معمولاً خودشون هم به چیزی کم می‌کنن

خرید هیجان‌ناکی

نطقه آزاد، جنس زیاد داره! یه دور بز، قیمت‌ها رو بسنج، بعد تصمیم بگیر. مطمئن باش فروشنده‌ها بیشتر از مشتری‌ها دوست دارن برگردی! چشم‌هات رو باز نگه دار! از برندهای معروف گرفته تا کار دست هنرمندهای محلی، اینجا تنوع خیره‌کننده‌ست. گاهی یه مغازه‌ی کوچیک، بهترین کشف روزت میشه!

یه خودت زمان بده

خرید در انزلی یعنی لذت بردن از فضا، از دریا، از مردم. عجله نکن، همون‌قدر که دنبال تخفیفی، دنبال تجربه‌ی خوب هم باش.

چطور فروش رو دل‌چسب‌تر کنیم؟

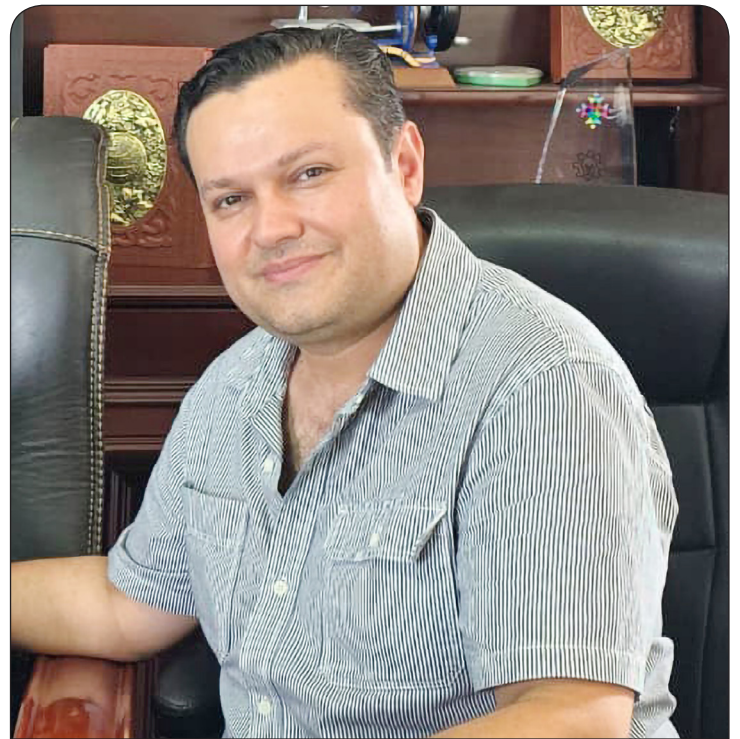
یه «سلام» صمیمی و یه لبخند گرم بیشتر از هر تخفیفی خریدار رو جذب می‌کنه. مردم شمالی مهمون‌نوازان، و تو نماینده‌ی همون فرهنگ دوستی و احترام هستی. حرف بز، ولی گوش هم بده. مشتری‌ها دوست دارن احساس کنن شنیده می‌شن. وقتی درباره‌ی نیازشون سؤال می‌پرسی، ناخودآگاه بهت اعتماد می‌کنن.

ظاهر مغازه یعنی دعوت‌نامه، تمیزی، نور مناسب و یه چیدمان مرتب، معجزه می‌کنه، حتی یه گلدون سبز یا تابلوی خوش‌نویسی ساده می‌تونه حال فضا رو عوض کنه. تخفیف هوشمند بده. لازم نیست همیشه از قیمت بزنی پایین؛ گاهی با یه جمله‌ی ساده مثل «اگه خواستین دوتا بگیرین، دومی رو با تخفیف حساب می‌کنم» مشتری رو نگه می‌داری.

اهل گفتگو باش، نه بحث. اگه مشتری سر قیمت چونه زد، بخند. همون لبخند می‌تونه دوباره برش گردونه، مشتری راضی خودش یه تبلیغ زنده‌ست.

گفتگوی خودمانی با تولید کننده برتر منطقه؛

تولید یعنی ماندن؛ حتی وقتی راه سخت می‌شود



فروختی رفت؟

اولین محصولی که تولید کردم با ۲ طاقه پارچه گاباردین (کرب ۹۰۱) اون زمان بود یعنی به اندازه همون ۲ طاقه پول داشتم از حاجی مون (صاحبکارم) اجازه گرفتم رفتم پارچه رو خریدم گذاشتم رو دوشم تا خود تولیدی مزدی دوز که تو خیابان لاله زار بود پیاده بردم هر طاقه حدود ۲۰ کیلو بود نمونه هم دادم برام برش زد تعداد ۵۲ تا مانته داد رفتم براش ۱۰۴ تا اپل خریدم بعد از برش بردم کوچه نوشین پاساژ پروانه، یک بنگلادشی اونجا بود گلدوزی روباندوزی می‌کرد برام کاراشو انجام داد چند روز دیگه بردم دادم دست خیاط، دوخت ومانتوها آماده شد چون بهمن ماه بود (شب عید) تو همون مغازه ای که بعنوان شاگرد کار میکردم همشو فروختم بعد با پولش رفتم ۴ طاقه خریدم و...

اولین شکست کاری‌ات یادت میاد؟ چی یاد گرفتی ازش؟

اولین شکستی که در تولید داشتم بر میگرده به سال ۸۱. از سال ۷۷ تا ۷۹ سرباز بودم و نتونستم تولید کنم اما بعد از سربازی مجدداً شروع کردم باز از ۲-۳ طاقه شروع کردم تا که دیگه رسیده بودم به ۳۰-۴۰ طاقه پارچه.

خیلی هیجان تولید داشتم و همیشه دوست داشتم جدیدتر از بازار تولید کنم و کارهای متفاوت و جدیدتر ارائه کنم و خوب این در صورتی خوب بود که ابزارش هم باید می‌بود و چرخه این کار بخوبی تامین نبود از مشتری گرفته تا تجهیزات تولید و مواد اولیه و...

حدود ۶ هزار تا لباس تولید کردم (که برای من اون زمان زیاد بود) که تازه اون لباس تو ترکیه مد شده بود یا مثلاً بالای شهر عده ای می‌پوشیدند. اون لباسها پولک دوزی می‌شد از این دستگاه پولک دوزی فقط ۲ دستگاه در تهران بود و با پارچه گران و... خلاصه قیمت تمام شده محصول خیلی بالا در اومد و تا بخودم اومدم شده بود آخر اسفند و ۹۰ درصد محصولات رو دستم مونده بود و دنیا روی سرم خراب شده بود. اما بعد از ۳-۴ ماه اون لباس مد شد و بالاخره بدون سود فروختم.

یاد گرفتم که باید قدم به قدم حرکت کنم و پله به پله رشد کنم و با تقاضای بازار حرکت کنم و اگر

محصول جدید و یا اگر ایده جدی دارم و می‌خوام انجامش بدم این باید با بخش کوچکی از سرمایه تست بشه نه با همه سرمایه.

● چند درصد از ایده‌های عجیب کارمندا رو جدی می‌گیری؟ یا همشون میرن توی پوشه؟ خوب قطعاً کارمندا با تجربیات مختلف و سلیقه‌های مختلف در این زمینه باهم متفاوت هستند از ابتدا کسانی که سابقه کار دارند ایده هاشون بیشتر مورد توجه قرار میگیره البته این موضوع هم همیشه استمرار نداره و اما برای ارائه ایده فرصت به همه میدم اون دیگه بستگی به عملکرد و ایده‌های خودشون داره که چقدر مورد توجه قرار بگیره.

مهمترین بخش صنعت ما سلیقه است ممکنه نفراتی باسلیقه‌ای در مجموعه حضور داشته باشند که در خط تولید تخصصی ما نباشند اما ایده هاشون تاثیرگذار و خلاصه اینکه از ایده‌های عجیب همه افراد خوش سلیقه استقبال میکنم.

● تا حالا شده یه محصول بسازی و خودت ازش خوش نیادی؟

تا لدون بخواد. اما الان دیگه اون محصول رو به خط تولید نمی‌رسونم.

● اگر دستگاه‌ها حرف می‌زدن، از تو چی می‌گفتن؟ «رئیس دیوونه‌ست» یا «بدجور عاشق کارشه»؟

خودم هر وقت دارم به دستگاه جدید می‌خرم یه چیزی به خودم میگم دستگاه هم زیاد می‌خرم مطمئن وقتی سمستون میرم میگن دیوونه اومد.

● توی تولید، بیشتر اهل ریسک بزرگی یا حساب‌کتاب میلی‌متری؟

خیلی اهل ریسک هستم حتی ایده‌هایی که بنظرم تا ۸۰ درصد اجرایی نباشه. همیشه بخشی از منابع رو صرف ریسک‌های بزرگ در این صنعت و کسب و کارم کردم.

● اگه به ماشین زمان داشتی، میری آینده ببینی چی ساختی یا گذشته تا یه اشتباه رو درست کنی؟ اگه گذشته میری جراتشو داری بگی اشتباهات چی بوده؟

همیشه با مرور اشتباهات گذشته ام زندگی کردم و هیچوقت دوست ندارم برگردم به عقب و اشتباهات گذشته ام رو درست کنم کمتر یادم میاد اشتباهی رو در زندگی م دوبار تکرار کرده باشم. من عاشق اشتباهات گذشته‌م هستم و خیلی ازش درس یاد میگیرم. قطعاً میرم به آینده تا زودتر ببینم چی در انتظارمه.

● رقیب‌هاست رو بیشتر رفیق می‌دونی یا انگیزه برای بهتر شدن؟

من اعتقاد دارم انقدر صنعت پوشاک متنوع و گسترده ست که هر برند می‌تونه در مسیر خودش و بدون رقیب جدا حرکت کنه. همه رقیب‌های من رفقای نزدیک من هستند و تک‌تکشون در این مسیری که به اینجا رسیدم - یه جمله برای کسانی که می‌گن «تولید تو ایران نمی‌صرفه» داری؟

قطعاً در سالیان اخیر سطح سود و بازگشت سرمایه در بعضی مشاغل توجیه زیادی داشته مثلاً در تجارت یا خرید و فروش املاک و... اما این جمله کلیشه‌ای که خیلی جاها عنوان میشه تولید در ایران نمی‌صرفه درست نیست البته با کسانی هم که میگن خیلی می‌صرفه هم مخالفم. برای تولید باید چند شرط مهم را رعایت کرد تا استمرار و شکوفایی لازم رو به‌همراه داشته باشه. تقاضا برای محصول موردنظر، تخصص به همراه تجربه، تامین مواد اولیه و ماشین‌آلات روز، جذب و آموزش نیروی انسانی

و مورد آخر جهت استمرار فرایند تولید نوع آوری و تغییرات مرتب در خط تولید است. قطعاً رعایت همه موارد یاد شده بعد از تامین منابع مالی از عوامل مهم رشد و رونق در تولید هستند.

گاهی مسیر موفقیت از جایی آغاز می‌شود که هیچ‌کس تصورش را نمی‌کند؛ از دل بازارهای قدیمی، از دو طاقه پارچه، از جسارت جوانی که تصمیم می‌گیرد به جای تماشا کردن، خودش دست‌به‌کار شود.

این گفت‌وگو، روایت صادقانه‌ی مردی است که از شاگردی در بازار تا تبدیل شدن به یکی از تولیدکنندگان برتر منطقه آزاد انزلی را تجربه کرده است.

کسی که باور دارد "تولید، یعنی ماندن در مسیر، حتی وقتی راه سخت می‌شود".

در گفت‌وگوی پیش‌رو، از خاطرات نوجوانی‌اش در بازار تا شکست‌ها، ریسک‌ها و تجربه‌های نایش در صنعت پوشاک می‌گوید بی‌پرده، صمیمی و پرانرژی با یاسر مروت پور تولید کننده پوشاک و تولید کننده برتر؛

● اولین جرقه تولید توی ذهنت کی خورد؟ قبل از خواب، وسط یه بحران، یا موقع خوردن چای؟

از سال ۷۴ بعنوان شاگرد (اصطلاح بازاری) وارد یک مجموعه تولید و پخش پوشاک در بازار شدم زمستان ۷۶ در یک روز جمعه هنگام کوهنوردی این تصمیم رو گرفتم که اقدام به تولید کنم دلپیش هم کمک به بهبود کیفیت زندگی بود البته حقوقم برای یک زندگی معمولی کافی بود اما دوستانی داشتم که اگر قرار بود با آنها همراه باشم مجبور بودم درآمد بیشتری داشته باشم تا بیشتر هزینه کنم به همین دلیل هم زودتر از آنچه که می‌بایست اولین سری تولید پوشاک را با اجازه و کمک صاحبکارم انجام دادم.

● اون روزی که تصمیم گرفتی "خودم می‌سازم!" واقعاً باور داشتی موفق می‌شی، یا گفتی ببینیم چی میشه؟

اون روز که استارت زدم ۱۸ سالم بود و هدفم از تولید فقط برآوردن نیاز خودم بود و هیچوقت فکر نمی‌کردم این شروع یک راه دور و دراز است.

● اگر برگردی به روز اول، به خود اون موقع چی می‌گفتی؟ "برو جلو" یا "بدو فرار کن" فقط میدونستم باید حرکت کنم و حالا که به درک بهتری از تولید رسیدم جایی برای فرار وجود نداره.

● اولین محصولی که ساختی رو هنوز داری یا

کاسپین خودرو ماندگار

منطقه آزاد انزلی (سهامی خاص)

وارد کننده خودروهای منطقه آزاد (انواع سواری و کشنده)

خدمات پس از فروش خودروهای منطقه آزاد

جمشید مهربان (مدیرعامل)

۰۹۱۱ ۲۴۸ ۵۰۹۵



خبر



تحولی مهم در تسهیل تجارت در منطقه؛

گمرک منطقه آزاد انزلی هم گوشی تلفن همراه ترخیص می کند

گمرک منطقه آزاد انزلی به جمع گمرکات مجاز برای ترخیص گوشی تلفن همراه و لوازم جانبی پیوست به گزارش مدیریت روابط عمومی و امور بین الملل سازمان منطقه آزاد انزلی: در راستای ارتقاء خدمات گمرکی و تسهیل فرآیندهای واردات کالاهای مصرفی و الکترونیکی، گمرک بندر انزلی و گمرک منطقه آزاد انزلی (حسن رود) به عنوان گمرکات مجاز برای ترخیص گوشی تلفن همراه و لوازم جانبی آن تعیین شدند. این اقدام مهم که با پیگیریهای مستمر سازمان منطقه آزاد انزلی و هماهنگی با گمرک جمهوری اسلامی ایران صورت گرفته، گامی مؤثر در جهت توسعه تجارت الکترونیک، حمایت از فعالان اقتصادی و افزایش رضایتمندی مصرف کنندگان محسوب می شود. با اضافه شدن این دو گمرک به فهرست گمرکات مجاز، فعالان حوزه واردات گوشی تلفن همراه و تجهیزات جانبی می توانند با سهولت بیشتر و در زمان کوتاه تری نسبت به ترخیص کالاهای خود اقدام نمایند. این موضوع نه تنها موجب کاهش هزینه های حمل و نقل و انبارداری می شود، بلکه با حذف واسطه های غیر ضروری و تسریع در عرضه کالا به بازار، به شکل مستقیم منجر به کاهش قیمت تمام شده کالا برای مصرف کننده خواهد شد. این تحول، نقطه عطفی در تسهیل تجارت در منطقه آزاد انزلی به شمار می رود و نقش بسزایی در رونق اقتصادی منطقه و افزایش حجم مبادلات تجاری خواهد داشت. شایان ذکر است که منطقه آزاد انزلی با برخورداری از موقعیت استراتژیک در حاشیه دریای خزر، زیرساخت های بندری و گمرکی پیشرفته، و دسترسی به بازارهای منطقه ای، یکی از قطب های مهم اقتصادی کشور در حوزه تجارت بین الملل به شمار می رود. این تحول جدید، نویدبخش آینده ای روشن تر برای فعالان حوزه واردات گوشی تلفن همراه و لوازم جانبی در شمال کشور است و می تواند زمینه ساز افزایش اشتغال، رشد سرمایه گذاری و توسعه پایدار در منطقه باشد.

اگه دوباره بخوای از همسرت خواستگاری کنی...

«فرض کن یه روز صبح بیدار می شی و می بینی برگشتی به همون روز خاص خواستگاری، اما این بار با تجربه های الانت؛ با همه ی قهر و آشتی ها و بحث های همیشگی سر کنترل تلویزیون. حالا فکر کن ببین، اگه دوباره بخوای از پاورترت خواستگاری کنی، تحت چه شرایطی این کار رو می کنی؟ کجا؟ با چه حال و هوا و جمله ای؟ چی می گی که مطمئن شی جوابش «نه» نیست؟ یا اصلا دیگه حاضر نیستی خواستگاری کنی؟ ولی صبر کن، این فقط نصف چالشه. نصف دومش مربوط به پارت ترته قسمت دوم چالش؛

جواب همسرت چیه؟ ازش بخواه بنویسه یا بگه: اگه اون روز دوباره تکرار بشه، چی جواب می ده؟ می گه «بله» یا لیخند یا «نه»؟ چه شرطی می ذاره برای بله گفتن دوباره. می تونه جدی باشه، احساسی یا کاملاً بامزه.

نحوه شرکت در چالش

۱. نوشتاری: هر دو تا تون متن بامزه یا احساسی خودتون رو بنویسین و برامون تو فضای مجازی به آدرسهای که زیر این متن هست بفرستین
۲. ویدیویی: صحنه ی خواستگاری رو دوباره اجرا کنین با خلاقیت، شوخی و کمی عشق واقعی و اونم تو تو همون آدرسهای که بالایی رو فرستادین بفرستید.

جایزه ویژه:

یه سه شرکت کننده ی برتر، یک شام دونفره ی رمانتیک در رستوران یوسفی تقدیم می شه، یه همراه لوح تقدیر از طرف نشریه.

مهلت ارسال: ۱۴۰۴/۹/۵

ارسال از طریق: واتساپ یا تلگرام شماره ۰۹۳۶۰۵۷۵۱۵۳

نگاهی از درون به اقتصاد منطقه آزاد انزلی در گفتگو با
رئیس هیات مدیره جامعه بازاریان و بازرگانان منطقه آزاد انزلی؛

رونق منطقه آزاد انزلی یعنی رونق استان گیلان



بازار منطقه همیشه زنده است

منطقه آزاد انزلی حالا یکی از شلوغ ترین مناطق کشور است. سال گذشته بیش از ۱۱ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر از این منطقه بازدید کردند. در نوروز و شهریور، تعداد مسافران به اوج می رسد و فقط در آذر و دی، به خاطر سرما و بارندگی، رفت و آمد کمتر می شود. اما در مجموع، بازار انزلی حالا دیگر فقط فصلی نیست؛ همیشه زنده است و مشتری دارد.

از نظر اشتغال هم وضعیت قابل توجه است. بیش از پنج هزار نفر در منطقه آزاد مشغول به کارند. پاساژ ونوس، قبل از اینکه از چرخه فعالیت خارج شود، به تنهایی دو هزار فرصت شغلی ایجاد کرده بود. این یعنی بخش خصوصی نقش بزرگی در رونق اقتصادی استان دارد و حمایت از آن، یعنی حفظ اشتغال مردم.

به گفته رئیس جامعه بازاریان: «رونق منطقه آزاد یعنی رونق گیلان. اشتغالی که اینجا با سرمایه بخش خصوصی ایجاد شده باید حفظ شود.»

بدشو گفتیم حالا خوشیم بگیریم! در چند سال اخیر، ارتباط جامعه بازاریان با سازمان منطقه آزاد نزدیک تر شده است. هدف اصلی، اجرای درست قوانین و کمک به تسهیل کار تجار و اصناف است.

به گفته رئیس جامعه، «برای نخستین بار در جلسات مهم اقتصادی نظر ما را می خواهند. تصمیم گیری ها هماهنگ تر شده. اختلاف نظر طبیعی است، اما حالا بیش از ۸۰ درصد از فعالان اقتصادی راضی اند.»

شکایت از گرونفروشی!!

در میان تمام دغدغه های کاری، خاطرات بامزه هم هست. امینی با خنده تعریف می کند: روزی مردی به دفتر آمد و گفت به جنسی رو بهش گرون دادن. پرسیدم چی خریده؟ با تعجب یک آب نبات چوبی از جیبش درآورد و گفت در سایت ۳۰ هزار تومنه ولی اینجا ۵۲ هزار تومن دادن! آخرش مشکل با خنده و شوخی حل شد. هنوز هم هر وقت یادم می افته، لیخند می زنم. شکایت از آب نبات واقعاً خاص بود!

در پایان، او تأکید می کند که آینده منطقه آزاد انزلی به اجرای درست قوانین، تعامل بین نهادها و حمایت از سرمایه گذاران وابسته است.

اگر این مسیر درست پیش برود، انزلی می تواند الگویی برای توسعه اقتصادی در شمال کشور باشد؛ جایی که تجارت، گردشگری و اشتغال در کنار هم جریان دارند.



کالاهایی که وارد منطقه می شوند از چندین مرحله نظارتی رد می شوند؛ از گمرک گرفته تا آزمایشگاه و استاندارد. بیش از ۹۰ درصد کالاها اصل هستند و اگر جنسی غیرقانونی وارد شود، سریع جمع آوری می شود. در ۱۲ سال گذشته هیچ مورد خاصی از کالای قاچاق در بازار گزارش نشده است.

البته از سال ۹۷ به بعد، واردات برخی برندهای اروپایی محدود شد، ولی هنوز هم در حوزه مواد غذایی، شوینده و پوشاک کالاهایی پیدا می شود که در هیچ جای دیگر کشور نیست.

نه؛ قرارمون این نبود!

اما در کنار همه این ها، اصناف و بازاریان منطقه آزاد دغدغه هایی هم دارند. یکی از مهم ترین شان مالیات است. در قانون، مناطق آزاد باید از مالیات ۲۰ ساله معاف باشند، اما حالا این معافیت ها شرط و تبصره پیدا کرده. کسبه باید مدارک و اسناد کامل ارائه دهند تا شاید در نهایت بتوانند از معافیت برخوردار شوند. به گفته رئیس جامعه بازاریان، «در گذشته معاف یعنی معاف بود؛ الان باید ثابت کنیم که معاف هستیم!» با این حال، نزدیکی منطقه آزاد به رشت و شهرهای اطراف باعث شده رونق بازار هنوز هم حفظ شود و تأثیرش روی اقتصاد استان گیلان کاملاً محسوس باشد.

جامون تنگه!

کمبود زمین یکی دیگر از مشکلات جدی منطقه است. سازمان منطقه آزاد مدت ها است دنبال گسترش محدوده به سمت شرق است، اما چون مالکیت زمین های اطراف در اختیار نهادهای مختلف است، این کار هنوز پیش نرفته. همین کمبود زمین باعث شده ترافیک و مشکل پارکینگ، به ویژه در ایام شلوغ مثل نوروز، بیشتر شود. با این حال، تلاش هایی هم شده؛ مثل ایجاد پارکینگ موقت چهار هکتاری برای دو هزار خودرو در تعطیلات عید.

«در ماه های اخیر، موضوع اصلاح ساختار مالی، توسعه زیرساختی و بازتعریف جایگاه اقتصادی مناطق آزاد بیش از هر زمان دیگری در دستور کار نهادهای تصمیم گیر قرار گرفته است. در این میان، منطقه آزاد انزلی به عنوان یکی از مهم ترین قطب های تجاری و گردشگری کشور، جایگاه ویژه ای دارد؛ منطقه ای که نه تنها به واسطه موقعیت استراتژیک خود میان دریا، جنگل و مرکز استان، بلکه به دلیل نقش تعیین کننده در اقتصاد شمال کشور، همواره در کانون توجه فعالان اقتصادی بوده است.»

در گفت و گویی مفصل با امیر فلاح امینی رئیس هیات مدیره جامعه بازاریان و بازرگانان منطقه آزاد انزلی، جزئیات دقیق تری از شرایط فعلی بازار، چالش ها، برنامه ها و فرصت های پیش رو بیان شد؛ گفت و گویی که بیش از هر چیز، واقعیت های میدانی اقتصاد منطقه را نشان می دهد!

هم برنرد داریم هم...

اینجا هر روز آدم هایی از گوشه و کنار ایران رفت و آمد دارند؛ از خانواده های ساده تا خریداران برندهای لوکس. همین تنوع باعث شده بازار انزلی از همه نوع کالا پر باشد، از اجناس معمولی تا معروف ترین برندهای جهانی.

پاساژهای اینجا هم همین طورند. از مجتمع های معمولی گرفته تا پاساژهای لوکس و مدرن. همه شان با مجوز رسمی، رعایت استاندارد و نظارت دقیق فعالیت می کنند. شاید برای همین است که میزان شکایت و ناراضی مشتریان، با این حجم از رفت و آمد، کمتر از یک درصد است؛ آماری که نشان می دهد بازار، با همه شلوغی اش، نظم خودش را دارد.

تحریم؟؟ همش کاغذ پاره است!!

برخلاف تصور خیلی ها، تحریم ها باعث نشده برندهای مطرح جهانی از این منطقه بروند. هنوز هم برندهای اروپایی در حوزه های آرایشی، بهداشتی، خوراکی و لوازم خانگی حضور دارند. برندهای ژاپنی و چینی با کیفیت هم جای خودشان را دارند و در بازار پوشاک، برندهای ترکیه ای و مواد غذایی آلمانی به چشم می خورند.

حتی برند های معروف اروپایی، یا محصولات که در لهستان تولید می شوند، در بازار منطقه آزاد پیدا می شود.

به قول یکی از مسئولان صنفی منطقه: «اغلب وارد کنندگان دنبال برندهایی هستند که در سطح دنیا اسم و رسم دارند.»

مراقبتون هستیم؛ اینجا جنس غیر اصلی نمیداد

المنطقة الحرة ، حني واجهات المحال التجارية تبتم

خلقها. الحقيقة أن نمط الحياة هنا مزيج عجيب و غريب. حياة عصرية حضرية بروح شمالية البسيطة والدافئة. وفي نفس الوقت ، قد تسمع صوت موسيقى أجنبية قادمة من محل لبيع الملابس ، أو تسمع من يقول:

إعطني إثنين من هذه الشوكولاته!

وهذا التناقض جعل المنطقة الحرة التجارية مميزة. هنا تبايع الماركات الأجنبية بلهجة الجبلانية.

القواعد الغير مكتوبة الخمس في منطقة أنزلي الحرة

● "أنا هنا فقط لأنظر"، هذا يعني سأشتري شيئاً واحداً على الأقل.

● إذا قال البائع "هذا أحدث موديل" يعني أنه تم جلبه من المستودع توا.

● هنا يوجد صلة بين وزن مشترياتك وإبتسامتك.

● كل شراء هو ذريعة لإلتقاط صورة سيلفي بشعار "العلاج التسوقي".

● والأهم من كل هذا ، مهما أشرتت ، تقول في الغد "ليتني أشرتت تلك البضاعة أيضاً".

● فلسفة التسوق في منطقة أنزلي الحرة

● في النهاية ، التسوق في منطقة أنزلي الحرة ليس مجرد ملء سلة التسوق.

● هو طريقة للحياة وتجربة متكاملة.

● تشتري ، تضحك وتشعر بأنك أصبحت جزءاً من إيقاع الشمالي اليومي.

● عندما تخرج من باب الخروج وتشعر بنسيم القادح من البحر ، تنظر الى واجهة التجارية للمحل و تبتم و تقول : أعد نفسي أن لن اشتري شيئاً حتى العدد القادم من هذه المجلة.

(وطبعاً لن نفي بهذا الوعد أبداً)

الإقتصادية" و "القلب و اليد" اللذان لا يرايدان الرجوع خالي الوفاض.

و كل شيء يبدأ فور أن تحط قدمك في مراكز التسوق. وفي مكان بسقف عالي ، وضوء أبيض ، ورائحة القهوة القادمة من الكافيه في الطابق الثاني ، تدرك أن لا طريق للعودة دون شراء أي شيء و لافته كبيرة في قلبك التي تقول:

التسوق تعني الإبتسامة ، تعني الطمأنينة.

و عندها تعلم أن في نهاية الشهر ستذكر الفائرة المدفوعة. يمكن تسوق كل شيء من العطور الفرنسية الى الملابس و الشوكولاته و حتى أبسط الأشياء. و بدخلك سحر الواجهات التجارية للمحال ، دون أن تشعر لإلقاء نظرة ، لا أكثر. و لكن بعد عشر دقائق فقط ، تخرج بكيس مليء و تدور في ذهنك جملة شهيرة:

إشرتت واحدة فقط.

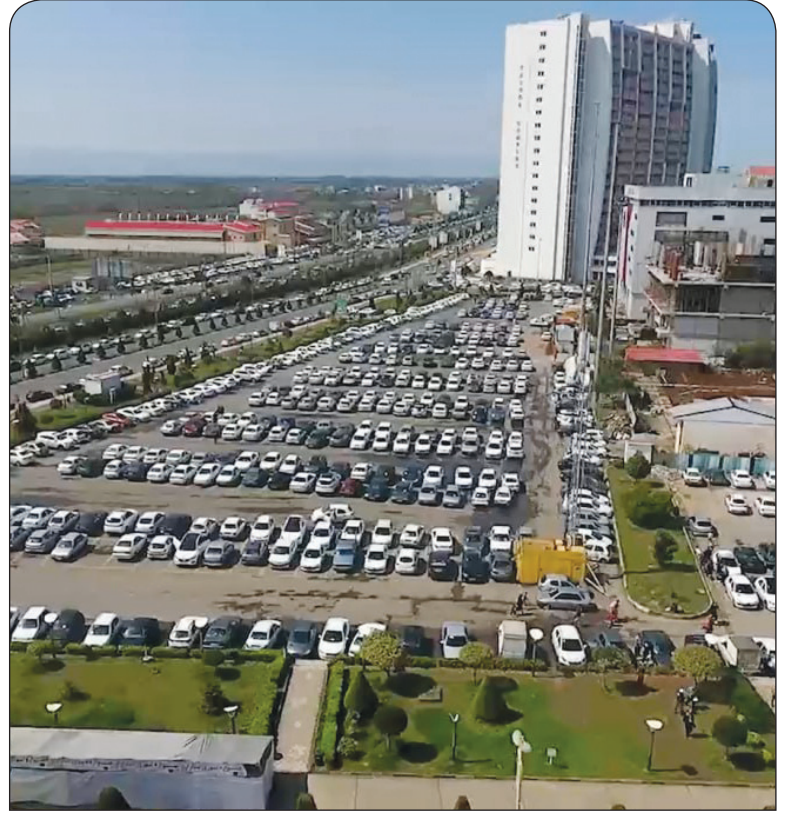
في الواقع أنت تطمئن نفسك فقط و إذا ما تحققت من رصيدك ، علمت إن ما تبقي منه شيء آخر.

الحياة أسمى من الأسعار

هنا يوجد شعور خاص ، يبدأ أن الجميع يتصرفون بهدوء و سعادة. العوائل تتجول في الممرات ، الاطفال تحمل الأيسكريم ، و يمكن سماع الضحكة من كل مكان. و هناك و بجانب السلم المتحرك تري سيدة تبيع صناعات يدوية و تقول بلهجة عذبة جبلانية:

هذه صناعات يدوية وليست للمصانع. أشتروها ، ستجعلكم سعداء.

و تحير أن تشتري لجمال مصنوعات أو لحسن



، الأضواء و الإغراءات. هنا ، المحال التجارية هي بمثابة ساحة لمعركة ، معركة بين "العقلانية

في منطقة أنزلي الحرة ، التسوق ليس مجرد تسوق. نوعاً ما هو التجول في عالم من الألوان

حكاية يوم غير مبرمج ، مليء بالأحداث و بالمزاج الطيب

يوم حرفي المنطقة الحرة

● تذوق ملعقة واحدة من هذه المخلات و ستقع في الحب. و قلت لها:

● أيتها السيدة ، للحب ثمن و هو الذي لا أملكه، لكنه لا ضير إذا ذقت قليلاً.

● ذقت المخلل و كان حاراً و أبكاني! لكنني ابتسمت. ضحكت السيدة وقالت:

● لا تقلق، إنه بكا لنشوة الشهية.

● اشتريت بعض الهدايا التذكارية والزيتون ومربي التوت البري ، وذهبت إلى الرصيف لمشاهدة غروب الشمس.

وداعاً للأمواج ، وأهلاً بالسلاسل.

● حل الليل. كان الشاطئ خال من المارة ، و النسيم بارد ، وصوت الأمواج الذي كان يتردد كموسيقى هادئة. طلبت كوباً من الشاي من المقهى (سأخبركم باسمه لاحقاً) و البخار يتصاعد منه ، وضوء القمر يتلألأ في الكوب.

● كانت الموسيقى المحلية لا تزال تصدح من مكبرات الصوت على الشاطئ؛ «أنزلي، أنزلي، ما أروعه...» وابتسمت ، لأنني كنت أعلم أن من يأتي إلى هنا مرة يترك وراءه قطعة من قلبه.

● كانت تلك نظرتي الأخيرة إلى البحر. فقلت: «وداعاً، ولكن ليس للأبد؛ لزيارة مجددة سريعة دون الحاجة إلى أي سبب.»

● هنا منطقة أنزلي الحرة؛ مكان حيث يمكنك أن تشعر بإثارة الجيت سكي ، وهدوء إحسان كوب من الشاي على ساحل البحر. يوم مليء بالضحك، وعبير الندى، وصوت الأمواج.

● وعندما تعود ، كن مطمئناً بأنك لا تحمل معك هدايا تذكارية فحسب، بل ستشعر بمزاج رائع يدوم وقتاً طويلاً.

● عندما أحضر الطعام، كانت سمكة ذهبية بيضاء ممدودة في منتصف الطبق ، وبجانبيها ليمونة طازجة تتلألأ. أخذت قضمه وقلت في نفسي: «لو كانت للجنة رائحة، لكانت رائحتها كرائحة هذه السمكة.»

● المركز التجاري ومأساة البطاقة المصرفية

● بعد الغداء، ذهبت إلى المركز التجاري (أما هذا ، فسأخبركم باسمه لاحقاً). كان مبناه يتلألأ من بعيد، كقصر لعشاق التسوق.

● عندما دخلت ، لامست برودة المكيف وجهي ، و امتلأ أنفي برائحة العطر والشوكولاته وجميعهم يصرخ لي: «إشرتني أنا»، فقلت لنفسي: «لا، أنا هنا فقط لألقي نظرة.»

● لكن هذه النظرة لم تكن كأي نظرة. هي الخطوة الأولى في المتجر و تعني وداعاً للأموال.

● و أخيراً، غادرت مركز التسوق حاملاً ثلاث حقائب مليئة بالأشياء ؛ قميص ، و بنطال، و حذاء، و علبة شوكولاتة ونسكافيه ، و الخ ... (يا خراب بيتي!).

● كان مغني محلي يغني على مكبر الصوت ، و المحلات التجارية مليئة بالأضواء ، و وسط كل تلك الألوان، شعرت وكأنني في منتصف فيلم عن الحياة الفاخرة في الشمال ، حتى تلقيت رسالة نصية تقول: «رصيد حسابك... ريال.»

● السوق المحلي والكلام مع بائع المخلات العاشق

● عند حلول الغسق، ذهبت إلى السوق المحلي. كان كل شيء حياً هناك: رائحة الزيتون المحشية ، مخلات هافت بيجار الخاصة ، الموسيقى الجبلانية، وضحكات البائعين و بين كل هذا قالت امرأة محلية ترتدي حجاباً مزهواً:

● في البداية انطلق ببطء، البحر لا يمزج مع أحد.

● فقلت:

● أعذك بأنني لن أعبت مع أسماك القرش.

● ركبت و أدت المحرك ، و في غضون عشر ثوان فقط أدركت أن التحكم بها لم يكن سهلاً كما ظننت. انطلقت المركبة المائبة بسرعة إلى الأمام، وصرخت كشخص أدرك لثوه أنه يدوس على صرصور تحت قدميه و هو يخاف منها ، و لكن بعد دقائق، تحول الخوف إلى حماس

● تام! كانت الرياح تهب في وجهي، وقطرات الماء تتناثر كزجاج بارد، و تناغم صوت المحرك مع دقات قلبي.

● عدت إلى الشاطئ وشعري مبعثر وملابسي مبللة، لكن إبتسامتي كانت واسعة. و كانت هناك امرأة تحمل ابنها الصغير بين ذراعيها، فقلت لي:

● لقد كنت محترفاً للغاية!

● فقلت:

● أجل، خاصة عندما كدت أصطدم بالماء!

السماك الأبيض

وجبة قطعت علاقتها بالحمية

● كان الوقت ظلها و كانت الشمس تسطع بنورها على الماء، ورائحة الشواء تنبعث من المطعم على الشاطئ (لن أذكر اسمه حتى لا يعتبر ذلك إعلاناً تجارياً). دخلت و جلست على طاولة، فتحت قائمة الطعام ، فوجدت مكتوباً عليها:

● سمك أبيض طازج، مع أرز بالزعفران. فجأة، صرخ شيء ما في داخلي: أحب أن أستمتع على الطريقة الشمالية! فقلت:

● حسناً، أحضر لي الحب الذي أحتاجه ، أحضر لي هذا الطبق.

● اليوم هو يومك ، اليوم ، هو الذي تود فيه بالقيام بما هو ضروري لتطبيب به نفسك. لذلك ، قمت و أجمعت أمتعتي ، ركبت السيارة ، و لكن إلى أين ؟ بدون وجهة! شغلت موسيقى جبلانية و هي محافظة إيرانية و أنطلقت. و ما بدأت المضي ، إلا و شممت رائحة البحر و الملح ، و فجأة وصلت إلى لافته تحيي «أهلاً و سهلاً بكم في منطقة أنزلي الحرة». و فور وصولي شعرت بأن الأجواء تغيرت و كان نفسي تنهيا إلى حفلة ضيافة.

● كنت أشعر بفرح مميز في الأجواء، نفس الأجواء عندما تشعر وكأن النسيم يداعبك. تموا السيارات ، و ترى متاجر بألوان زاهية ، وأناس مبسمون يحملون حقائب تسوق. فقلت لنفسي: «حسناً أيها الحبيب، هذا هو المكان الذي سيخلد فيه يومك في الذاكرة.»

● إرتجلت، وبينما كان حذائي يلامس تراب الطريق، اشتدت رائحة البحر. كنت أسمع صوت الأمواج من بعيد، وبدأ قلبي ينبض بسرعة أكبر من سير أقدامي.

● في تلك اللحظة، شعرت تماماً كشخص و هو يدخل فيلم مغامرات؛ وكان الفارق الوحيد هو أنني كنت أنا بطل الفيلم . وبقية من الماء ، وهاتف نصف مشحون ، وبطاقة مصرفية فارغة ، و بأمل في إيجاد طريقة للتهئية من روع روحي المروعة.

● جيت سكي، صراخ و رائحة الأدرينالين

● ذهبت إلى رصيف الميناء للألعاب البحرية. كانت الرياح تهب، وعلم المنطقة الحرة يرفرف بصوت مميز. كان مدرب الجيت سكي شاباً مبتسماً، فتقدم و قال:

● جيت سكي، صراخ و رائحة الأدرينالين

● ذهبت إلى رصيف الميناء للألعاب البحرية. كانت الرياح تهب، وعلم المنطقة الحرة يرفرف بصوت مميز. كان مدرب الجيت سكي شاباً مبتسماً، فتقدم و قال:

● جيت سكي، صراخ و رائحة الأدرينالين

● ذهبت إلى رصيف الميناء للألعاب البحرية. كانت الرياح تهب، وعلم المنطقة الحرة يرفرف بصوت مميز. كان مدرب الجيت سكي شاباً مبتسماً، فتقدم و قال:

● جيت سكي، صراخ و رائحة الأدرينالين

● ذهبت إلى رصيف الميناء للألعاب البحرية. كانت الرياح تهب، وعلم المنطقة الحرة يرفرف بصوت مميز. كان مدرب الجيت سكي شاباً مبتسماً، فتقدم و قال:

● جيت سكي، صراخ و رائحة الأدرينالين

● ذهبت إلى رصيف الميناء للألعاب البحرية. كانت الرياح تهب، وعلم المنطقة الحرة يرفرف بصوت مميز. كان مدرب الجيت سكي شاباً مبتسماً، فتقدم و قال:

● جيت سكي، صراخ و رائحة الأدرينالين

● ذهبت إلى رصيف الميناء للألعاب البحرية. كانت الرياح تهب، وعلم المنطقة الحرة يرفرف بصوت مميز. كان مدرب الجيت سكي شاباً مبتسماً، فتقدم و قال:

● جيت سكي، صراخ و رائحة الأدرينالين

● ذهبت إلى رصيف الميناء للألعاب البحرية. كانت الرياح تهب، وعلم المنطقة الحرة يرفرف بصوت مميز. كان مدرب الجيت سكي شاباً مبتسماً، فتقدم و قال:

● جيت سكي، صراخ و رائحة الأدرينالين

مکان حیث البحر ینعش التجارة، هذه قصة رقي منطقة أنزلی الحرة



الدولې سردار جنګل في مدينة رشت (۳۸۰ هكتار).

هناك أيضا مينائين مهمين: أنزلي وكاسبيان. و يعمل هذان الميناءان ب ۲۳ رصيفا (۶ في الحد الحر و ۱۷ في ميناء أنزلي). و لكن الهدف هو زيادة عدد الأرصفة الى ۴۵ رصيفا في المستقبل القريب وهذا يعني أن أنزلي ستصبح أحد أهم مراكز لشحن البضائع بين آسيا وأوروبا.

هناك حدث هام جدا أيضا و هو ربط ميناء كاسبيان بسكك الحديدية الوطنية الإيرانية. هذا يعني ربط البحر الى السكك الحديدية و من السكك الى خليج فارس. بعبارة أبسط، تم إنشاء ممر ذهبي بين شمال و جنوب إيران و حتى بين دول أوراسيا و خليج فارس.

و بجانب كل هذا، يقع الآن مطار جنګل الدولي في رشت ضمن محيط المنطقة الحرة و هذا يعني أن يمكن للبضائع و السياح الأجانب أن تسير بإنسيابية أكثر.

في ظل هذه الظروف، تحولت أنزلي الى نقطة محورية في طريق واحد-شمال-جنوب الدولي و مبادرة حزام واحد، طريق واحد الكبير.

و لكن ميزات أنزلي لا تقتصر على موقعها الجغرافي. يمنح قانون المناطق الحرة العام مزايا خاصة للمستثمرين الإقتصاديين، منها:

- الإعفاءات الضريبية لمدة ۲۰ سنة لجميع الأنشطة التجارية المرخصة.
- الإستيراد دون دفع الرسوم الجمركية.
- إستثمار كامل للأجانب دون قيود.
- دخول سهل لذوي الخبرة الأجانب دون تأشيرات مسبقة.

مکان حیث البحر ینعش التجارة و الحياة. إذا كنت تبحث عن مكان تفوح فيه رائحة البحر و تسمع نداء النمو و التقدم، ما عليك إلا أن تزور المنطقة الحرة التجارية و الصناعية.

بدأ العمل هنا سنة ۲۰۰۵ في قلب محافظة جيلان الإيرانية و على سواحل بحر قزوين، و الآن تعتبر هذه المنطقة أول منطقة حرة في شمال البلاد و القلب النابض للإقتصاد و التجارة في شمال إيران. و لتأسيس هذه المنطقة أيضا قصة تثير الإهتمام، فبعد إنهيار الإتحاد السوفييتي، قررت إيران أن تستفيد من التواصل مع دول بحر قزوين و أوراسيا، و لكن ما هو الهدف؟

بناء جسر لتوسيع التجارة و الصداقة مع دول الجوار، و ذلك بناء على الثقافة و التاريخ المشتركين اللتين تربطنا. و الآن بعد عقدين من الجهد، تحولت منطقة أنزلي الحرة الى مجموعة كاملة و متقدمة و تتطلع بأن تكون حلقة الوصل لتربط شرق و غرب آسيا، أوراسيا و جنوب آسيا و أوروبا.

و بموجب القرار الصادر عن البرلمان و هيئة مجمع تشخيص مصلحة البلاد في تشرين الأول/أكتوبر سنة ۲۰۲۴، تم توسيع نطاق هذه المنطقة ليصبح الآن حوالي ۸۶۰۹ هكتار. هذا يعني أنه يشمل الحد الرئيسي للمنطقة (۶۳۶۴ هكتار)، ميناء جيلان (۱۳۰ هكتار)، المنطقة الصناعية سفيد رود (۱۵۱۵ هكتار) و منطقتين صناعيتين بإسم ضيابر و خميران (۲۲۰ هكتار) و المطار

برامج ثقافية و فنية و ترفيهية، و حولتها الى أحد وجهات الميزة للمسافرين المحليين و الأجانب. و يشمل ذلك كل من سياح دول الخليج الفارسي و عشاق الطبيعة، و عشاق السياحة الرياضية و سياحة الحلال و حتي السياحة العلاجية، فالكمل يمكنه الإستمتاع من إمكانات هذه المنطقة. في الحقيقة، منطقة أنزلي الحرة ليست منطقة صناعية بحتة، فهي نقطة تماس بين التجارة و الثقافة و الحياة. هنا أرض جيلان العريقة، حيث يلتقي تاريخها التجاري الدولي ممتدا منذ ۴۰۰ سنة بروحها العصري للقرن الحادي والعشرين. و بعبارة أبسط، منطقة أنزلي الحرة هي أرض حيث يلتقي البحر و الإقتصاد و الأمل، يدا بيد.

- إنجاز سريع للإجراءات البيروقراطية دون العناء المعتاد.
- إمكانية عبور البضائع أو إعادة تصديرها دون قيود.
- و بفضل هذه الظروف، أصبحت أنزلي مكان مثالي لبدء مشاريع الصناعية، و المعرفية، و الأغذية و الثروة السمكية و ساهم قرب مدينة أنزلي من الأراضي الزراعية في محافظة جيلان و المدن المكتظة بالسكان المجاورة، لتصبح مركزا للعناقد الصناعية و التصديرية.
- و في غضون السنوات العشرة الأخيرة، لم تشهد أنزلي نموا اقتصاديا فحسب، بل و اكتسبت وجه سياحي جديد. قامت المنطقة الحرة التجارية ببناء البنى التحتية و إنشاء



رستوران ساحلی هیراد

طعام عالي الجودة مع إطلالة على البحر



منوی ۳ زبانه



بزرگترین پروژه توسعه
حوزه غذایی در گیلان
برند برتر کشوری ۱۴۰۱
کارآفرین برتر کشوری ۱۴۰۱
پخصد رستوران بندر رويا

HIRAD

روبروی پاساژ کاسپین، لب ساحل ☎ 0938 719 9900

منظره شگفت انگیز دریا ☀ صبحانه/ناهار/کافه/شام

باشگاه مشتریان فعال 🎁 به همراه موزیک زنده

منوی کامل خورشته، ایرانی، محلی، کبابی، دریایی، فرنک و فست فودی 🍽